

جمهوری جهانی اربعین

در جهانی که سرعت و پیشی گرفتن به قیمت رد شدن از روی تن و روح خسته و بر زمین افتاده دیگران ارزش و ملاک موفقیت است و کوچک‌ترین حرکتی را در ترازوی مادی هزینه و فایده می‌سنجند، حرکت با پای پیاده به سوی نقطه‌ای خاص در کمال فروتنی و ایثار را چه باید نامید؟



در جهانی که سرعت و پیشی گرفتن به قیمت رد شدن از روی تن و روح خسته و بر زمین افتاده دیگران ارزش و ملاک موفقیت است و کوچک‌ترین حرکتی را در ترازوی مادی هزینه و فایده می‌سنجند، حرکت با پای پیاده به سوی نقطه‌ای خاص در کمال فروتنی و ایثار را چه باید نامید؟
خبرگزاری فارس، گروه دیگر رسانه‌ها: روزنامه «کیهان» در سرمقاله شماره امروز خود نوشت:

این کلام ماندگار حضرت امام(ره) را به خاطر دارید؟ «جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی(ص) است». حالا، گمان می‌کنید چند درصد انسان‌های روی زمین به دین و وجود خدا باور دارند؟ وضعیت دینداری در دنیا چگونه است؟ دینداری در حال رشد است یا زوال؟ «فیل زاگرم» استاد جامعه‌شناسی و مطالعات سکولار در کالج پیتزر در کالیفرنیا سه سال پیش مقاله جالب توجهی در این مورد نوشت که مبتنی بر آمار و ارقام است. آمار و ارقام می‌گویند؛ دینداری رو به زوال است. این زوال در کشورهای سکولار نمود بیشتری دارد. برخی آمارها در این زمینه از این قرار است؛

- برای اولین بار در تاریخ بریتانیا، اکنون تعداد ملحدان و لادری گرایان بیشتر از مؤمنان به خداوند است. به علاوه میزان حضور در کلیسا در بریتانیا در کمترین حد تمام تاریخ این کشور است؛ کمتر از دودرصد از زنان و مردان بریتانیایی در هر یکشنبه در کلیسا حاضر می‌شوند.

- نظرسنجی اخیر در ایسلند نشان می‌دهد که صفردرصد ایسلندی‌ها باور دارند که خداوند زمین را خلق کرده است. درست است؛ صفردرصد. این در حالی است که بیست سال پیش نوددرصد ایسلندی‌ها مدعی بودند به مذهب معتقدند و اکنون کمتر از پنجاه درصد چنین ادعایی دارند.

- نزدیک به هفتاددرصد هلندی‌ها هیچ تعلق خاطری به هیچ دینی ندارند و احتمال دارد تقریباً هفتصد کلیسای پروتستان و هزار کلیسای کاتولیک در سراسر این کشور در آینده نزدیک متروکه شوند.

- بر اساس نظرسنجی یوروبارومتر نوزده درصد اسپانیایی‌ها، بیست و چهاردرصد دانمارکی‌ها، بیست و شش درصد اسلونیایی‌ها، بیست و هفت درصد آلمانی‌ها و بلژیکی‌ها، سی و چهار درصد سوئدی‌ها و چهل درصد فرانسوی‌ها ادعا می‌کنند که به «هیچ نوع روح، خدا یا نیروی مافوق طبیعت» معتقد نیستند.

- در ایالات متحده آمریکا چیزی بین بیست و سه تا بیست و هشت درصد افراد بزرگ سال هیچ نوع تعلق به هیچ دینی ندارند. این افراد را «بی‌دین» می‌نامند. نه تنها تعداد این افراد روز به روز در حال افزایش است، بلکه باورها و رفتارهای آنها نیز به نحو فزاینده‌ای در حال سکولارشدن است.

- از میان هزاره‌ای‌ها [متولدین بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰]، آمریکایی‌هایی که بین بیست تا سی سال دارند، بیش از سی و پنج درصد فاقد دین هستند. این تعداد، بزرگ‌ترین گروه مردان و زنان سکولار را در تاریخ این کشور تشکیل می‌دهد.

- در کانادا، در سال ۱۹۹۱، دوازده درصد بزرگ سالان ادعا می‌کردند بی‌دین اند؛ اما امروزه این تعداد به بیست و چهاردرصد افزایش پیدا کرده است.

- در استرالیا، در سال ۲۰۰۱، پانزده درصد از جمعیت بیان کردند که فاقد دین اند. امروزه دست کم بیست و دودرصد افراد، بی‌دین هستند.

داده‌های مرکز تحقیقاتی «پیو» (یکی از معروف‌ترین مراکز تحقیقاتی دنیا در زمینه بررسی روندها و نگرش‌های جهانی در حوزه‌های مختلف، مستقر در واشنگتن) در سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد بیش از ۱/۱ میلیارد از مردم جهان بی‌دین بوده‌اند و احتمال دارد این رقم تا سال ۲۰۲۰ به بیش از ۲/۱ میلیارد برسد. آمارها برای اهل دین و ایمان دل‌سرد کننده به نظر می‌رسد تا جایی که نشنال جئوگرافیک جدیدترین دین دنیا را بی‌دینی نامیده است. اما نکته جالب توجه در این تحقیقات و آمار آن است که برخلاف سایر ادیان، تعداد معتقدان به اسلام در حال رشد است. رشد اسلام در دنیا به گونه‌ای است که محققان «پیو» پیش‌بینی می‌کنند سه دهه دیگر، اسلام دین اول دنیا خواهد بود و بیشترین تعداد پیروان را خواهد داشت.

ردپای نگرانی و هراس غرب از نتایج این تحقیقات و پیش‌بینی‌ها را می‌توان در ادبیات نیز پیگیری کرد. می‌گویند اگر می‌خواهید آینده جامعه‌ای را پیش‌بینی کنید، به سینما و ادبیات آن نگاه کنید. (البته این فرمول در هر کشوری جواب دهد، در ایران که سینماهایش در تسخیر رحمان ۱۴۰۰ها، پنجاه کیلو آلبالوسازها و شیفتگان تگزاس است، جواب نمی‌دهد). رمان پرفروش تسلیم، اثر «میشل ولیک» از جمله این آثار است. رمانی اسلام‌هراسانه که به قدرت رسیدن حزبی اسلامی را در فرانسه ۲۰۲۲ به تصویر می‌کشد و از «جمهوری اسلامی فرانسه» می‌گوید. جالب آنجاست که

کشور فرانسه جزو سردمداران بی دینی در اروپاست.

کاهش معتقدان به سایر ادیان را می توان به دوگونه تفسیر و تعبیر کرد. از منظری می توان آن را دوری از معنویت و احساس بی نیازی از آن دانست. اما زاویه دیگری هم وجود دارد. وقتی برخی ادیان نتوانند پاسخگوی نیازهای بشر امروز باشند و جوابی برای سؤالات و سرگشتگی های او نداشته باشند، چرا باید به آن پایبند ماند؟ این افراد دین و باور خود را در ظاهر کنار می گذارند، اما در باطن آن را با خدایانی دیگر جایگزین می کنند؛ از شبه معنویت ها و عرفان های رنگارنگ گرفته تا تکنولوژی هایی که روز به روز نسخه های تازه را به مثابه آیات جدید به بندگان خود ارائه می کنند. مطالعه کتاب «پیامبران عصر سرمایه» نوشته «نیکول اشاف» (چاپ انتشارات ترجمان) برای آشنایی با چنین دین و دنیایی مفید است.

یکی از اصلی ترین کارکردهای دین، ارائه چارچوب و دریچه ای برای فهم خود و جهان و سبک زندگی است؟ «ساموئل لانکار» فیلسوف و دین پژوهی که یکی از دغدغه های اصلی تحقیقاتش، بررسی و یافتن تمایزات معنویت و تکنولوژی است درباره نسبت انسان امروز و فناوری می نویسد؛ «با دنیایی آکنده از بنگاه های روبه رشد مواجهیم که با کمال میل می خواهند الگوریتم های بازاریابی به شما و بچه هایتان بگویند که دنیا چه شکلی است، چه چیزهایی را باید ببینید و به چه چیزهایی بیاندیشید و چه بخرید، و در نهایت چه چیزهایی را باید واقعی بدانید.»

رویداد عجیب و غریب پیاده روی اربعین را باید در بطن چنین دنیای آشفته و تیره و تاری به نظاره نشست. در دنیایی که سرگرمی یکی از اصلی ترین دغدغه ها و اشتغالات بشری است، چنین حرکتی را اگر معجزه بنامیم، چه باید بدانیم؟ در جهانی که سرعت و پیشی گرفتن به قیمت رد شدن از روی تن و روح خسته و بر زمین افتاده دیگران ارزش و ملاک موفقیت است و کوچک ترین حرکتی را در ترازوی مادی هزینه و فایده می سنجند، حرکت با پای پیاده به سوی نقطه ای خاص در کمال فروتنی و ایثار را چه باید نامید؟

در دنیایی که جویندگان آرامش خود را به هر در و دیواری می زنند و هر نسخه ای را از دیازپام گرفته تا صدها مدل مدیتیشن و مواد مخدر می آزمایند اما کمتر می یابند و حیران تر و تشنه تر می شوند، اربعین نسخه اصیل معنویت است. تمرینی برای در کنار هم بودن. کسی از زائر اربعین درباره ملیت و رنگ و نژاد و زبان و حتی دینش نمی پرسد. نمایش واقعی تکرر، صلح و آرامش در این مسیر نورانی متجلی می شود. اربعین از جنس ایمان قلبی و آرامش درونی است. توصیف آن در قالب کلمات اگر محال نباشد، امری بسیار دشوار است. اربعین را باید چشید و آنان که یک بار چشیده باشند، اسیرش می شوند و اگر سال بعد جا بمانند تنها اشک است که می تواند تسلاهی احساس عمیق آنان باشد.

جهان دین گریز و حیران امروزی، در مواجهه با اربعین فعلاً راهکار انکار را در پیش گرفته است. مرحله بعد ستیز خواهد بود که امسال نمودهایی از این رویکرد جدید را دیدیم. رود خروشان اربعین زنده تر و پویاتر از آن است که با روی برگرداندن از آن یا پرتاب سنگ، از حرکت بازایستد. مستکبران زیادی در 1400 سال گذشته سعی کرده اند شجره طیبه ای را که حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و یاران مخلصش با خون خود کاشتند، از بیخ ببرکنند. از متوکل عباسی که دستور داد مرقد را تخریب کرده، آب بر زمین بسته و بذر بکارند تا اثری از آن نماند تا حمله وهابی ها به سرکردگی سعود بن عبدالعزیز در دو قرن پیش که از فرط سبوعیت به «طف ثانی» مشهور شد. متوکل و سعود کجا هستند و نتیجه خصومت توأم با بلاهت آنان چه شد؟

اگر رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرمایند اربعین جهانی شده و جهانی تر خواهد شد و دیروز هم آن را «فریادی رسا و رسانه ای بی همتا در دنیای پیچیده تبلیغات و جهان پُرهیاوهی بشریت امروز» توصیف کردند، ریشه در چنین واقعیاتی دارد. جمهوری جهانی اربعین پایه گذاری شده است؛ الحسین یجمعنا.

محمد صرفی